

تبیین جایگاه سرشتی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر بر اساس آیات آفرینش در قرآن کریم (با نگاهی اجمالی به عهدین)

محدثه برهانی نژاد^۱، عباسعلی رستمی نسب^۲، حمیدرضا علوی^۳، رستم سیف‌الدینی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه سرشتی زن و مرد با روش تحلیل مضمون و تحلیل مفهومی انجام شد. بدین منظور کتب و مقالات پژوهشی انجام شده در محدوده سال‌های پس از انقلاب اسلامی که آفرینش زن و مرد در قرآن، تورات و انجیل را بررسی نموده بود، مورد مطالعه قرار گرفت. با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که موضوع مطالعه حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که زن و مرد در مؤلفه‌هایی همچون ماده آفرینش، هدف آفرینش، مراحل آفرینش، آفرینش احسن و غیره مشترکند. با وجود این، در همان آیات نکاتی است که بیان‌کننده ویژگی خاص زن و مرد است و اصالت و استقلال وجودی زن و مرد را اثبات می‌کند. همچنین پس از بررسی نحوه آفرینش انسان در قرآن کریم (و نگاهی اجمالی به عهدین)، اصالت و استقلال وجودی زن و مرد در عین اشتراک ایشان در اصل خلقت، اثبات شد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آفرینش انسان، اشتراکات و تفاوت‌های سرشتی،

مرد، زن.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohadesse_borhani@yahoo.com

۲. استاد علوم تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

Email: rostaminasab@uk.ac.ir

۳. استاد علوم تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

Email: hralavi@uk.ac.ir

۴. استادیار مغز و اعصاب، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

Email: r.seifaddini@gmail.com

The Explanation of Women's and Men's Natural Position in Terms of Their Interactions Based on the Verses of Creation in the Holy Quran (With a Quick Look at Testaments)

Mohadeseh Borhaninejad¹, Abas Ali Rostaminasab², Hamid Reza Alavi³, Rostam Seifodini⁴

The present study was conducted to explain women's and men's natural position with the help of content and conceptual analysis; thus, it reviewed research books and papers which had examined the creation of women and men in the Holy Quran, the Torah and the Bible and had published especially during the years after the Islamic revolution. After reviewing them, it was determined that there was no research that had examined the subject of this study. The findings of the present study show that women and men share the same components as the material of creation, the purpose of creation, the stages of creation, best creation, and so on. Nevertheless, in those verses, there are some notes that express the special trait of women and men and confirm their originality and essential independence. In addition, reviewing the creation of human in the Holy Quran (and Testaments) confirms women's and men's originality and essential independence despite their sharing in the principle of creation.

Keywords: thy Holy Quran, creation of human, natural sharing and differences, men, women.

Paper Type: Research

Data Received: 13/11/2018

Data Accepted: 15/01/2019

1. Ph.D. Student in Educational Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Corresponding Author)
Email: mohadese_borhani@yahoo.com

2. Professor of Educational Sciences, Faculty Member of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
Email: rostaminasab@uk.ac.ir

3. Professor of Educational Sciences, Faculty Member of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
Email: hralavi@uk.ac.ir

4. Assistant Professor of Neurology, Faculty Member of Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.
Email: seifaddini@gmail.com

نحوه خلقت و پیدایش انسان از شگفتی‌های جهان آفرینش است. خلقت آدم از گل ناچیز (سجده: ۷) و رسیدن به مقام مسجود فرشتگان شدن، چنان عظمتی در خلقتش نهفته است که مایه مباهات الهی گردید و در شرافت از سایر مخلوقات سبقت جست و حتی فرشتگان از درک عظمتش ناتوان ماندند (بقره: ۳۰). انسان به صورت دو جنس مرد و زن آفریده شده است؛ دو جنس که حداقل در ظاهر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی باهم دارند. نقطه شروع این تفاوت کجاست؟ آیا از همان آغاز، زن متفاوت با مرد آفریده شد؟ یکی از نقاط بررسی نسبت میان زن و مرد، بحث از نحوه آفرینش ایشان است؛ بدین معنی که بررسی شود از نظر خلقت، زن و مرد در چه وضعیتی قرار دارند؛ آیا به یک نحو آفریده شده‌اند و از نظر خلقت آغازین، تفاوتی میان آنها نیست یا در دو شکل متفاوت و از جنسی مختلف خلق شده‌اند. نوع پاسخ به هر یک از این سؤالات پیامدهای متفاوتی را به دنبال خواهند داشت. اگر گفته شود زن و مرد در دو شکل و از دو ماده متفاوت خلق شده‌اند، این تفاوت می‌تواند موجبات برتری یک جنس بر جنس دیگر شود و برای آن جنس ارزش‌های ویژه‌ای در پی داشته باشد. اگر گفته شود زن و مرد در شکلی واحد خلق شده‌اند و هر دو از یک ماده و به یک نحو آفریده شده‌اند، می‌تواند زمینه برابری جنسیتی را فراهم کند و ادعای برابری در حقوق و تکالیف و غیره را ایجاد کند. به نظر می‌رسد بتوان وجه سوم را هم در نظر گرفت؛ اشتراک در اصل خلقت، در عین اصالت وجودی و استقلال زن و مرد. بدین معنا که زن و مرد از گوهری واحد و به یک نحو خلق شده‌اند، اما با بسترهای متفاوت و ویژگی‌های خاص تکوینی که این فرض، ضرورت مسئولیت فردی و نقش‌های تفکیک شده را روشن می‌سازد.

به نظر می‌رسد طرح مباحث درباره تفاوت سرشتی زن و مرد از کتب دینی شروع شده است و از رایج‌ترین و بحث‌برانگیزنده‌ترین اقوال درباره خلقت زن و مرد در کتاب مقدس دیده می‌شود که دامنه نفوذ آن به دیدگاه‌های جامعه امروزی هم کشیده شده است و حتی در دیدگاه مفسران سایر ادیان از جمله اسلام نیز رسوخ کرده است. (رک. اعرابی، ۱۳۸۷)

۲. روش پژوهش

بر اساس ماهیت و موضوع مورد بحث در پژوهش حاضر، برای بررسی آیات مربوط به آفرینش از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در خلال تحلیل یک آیه از کلمه یا عباراتی استفاده شده که موضوعات قابل بحثی را درباره پدیده مورد بررسی برجسته می‌کند. در این مرحله از تحقیق، جستجوی واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات مشابه درباره آفرینش زن و مرد در خلال آیات، مورد نظر بوده است. سپس تفکیک عبارات و حتی کلمات انجام شد و در مرحله بعد عبارت و مضامین در یک جدول تنظیم شد. در پایان با محور قرار دادن یک مضمون به عنوان مضمون اصلی و جمع‌آوری داده‌ها و استخراج نکات مرتبط با آفرینش در قرآن کریم، شبکه مضامین شکل گرفت. داده‌ها به شیوه استنتاج یا استدلال تجزیه و تحلیل شد. با تفکر، تعقل و تأمل در آیات و روایات و کمک گرفتن از تفاسیر در جستجوی پاسخ به سؤالات پژوهش برآمده و سپس با استدلال‌های عقلانی، استنباط‌های لازم برای دستیابی به پیامدهای تربیتی صورت گرفت.

۳. جایگاه سرشتی زن و مرد در قرآن و انجیل

۳-۱. چگونگی آفرینش زن و مرد در تورات و انجیل

در تورات آمده است که خلقت آدم پس از آن بود که خداوند آسمان، زمین، دریاها، ماه و ستارگان را آفرید و او را به صورت و شبیه خود خلق کرد تا بر تمامی موجودات حکومت کند. (رک.، کتاب مقدس، ۱۹۷۸، سفر پیدایش، باب اول، شماره ۲۶) آفرینش آدم از خاک بود و او را در باغ عدن جای داد: «خداوند، آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد» (کتاب مقدس، ۱۹۷۸، سفر پیدایش، باب دوم، شماره ۷). در مورد آفرینش حوا چنین آورده شده است: «خداوند آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم. از این سبب نساء نامیده شود؛ زیرا که از انسان گرفته شد» (کتاب مقدس، ۱۹۷۸، سفر پیدایش، باب اول، شماره ۲۱-۲۴).

بر اساس این متون، خداوند نخست آدم را آفرید و سپس بر اساس نیاز آدم، حوا آفریده شد. برخی مفسرین، آفرینش آدم در مرتبه اول را نشانی گرفتند بر اینکه سلطنت و حاکمیت از آن

مرد است. مرد قائد است و حوّا چون در مرتبه دوم خلق شده است باید در مقابل مرد خاضع باشد. (رک.، مظاهری، ۱۳۹۲) همین امر یعنی، تقدم خلقت مرد بر زن در عهد جدید نیز بیان شده است: «و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند؛ زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوّا» (کتاب مقدس، ۱۹۷۸).

با آنکه نویسنده کتاب گنجینه‌ای از تلمود معتقد است که در تلمود^۱ به زن مقام و منزلتی شایسته داده شده است، اما همچنان دیدگاه برتری مرد دیده می‌شود. در تلمود دلیل آفرینش زن از دنده مرد چنین بیان شده است که خداوند این نکته را مورد توجه قرارداد که زن را از کدام عضو مرد بیافریند. او فرمود:

من زن را از سر آدم نمی‌آفرینم تا آنکه سبک سر نگردد و سر خود را از روی نخوت و غرور بالا نگیرد و نه از چشم، تا آنکه بسیار کنجکاو نباشد و نه از گوش تا آنکه استراق سمع نکند و سخن چین نشود و نه از دهان، تا آنکه حراف بار نیاید و نه از دل، تا آنکه حسود نشود و نه از دست تا آنکه هرزه نشود و نه از پا تا ولگرد نباشد. من زن را از قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است، می‌آفرینم تا موجودی محبوب و عقیف به بار آید. (کهن، ۱۳۵۰)

براین اساس، قوام مرد به خودش است، ولی قوام زن به خودش نیست بلکه به مرد است. رویکرد برتری مرد بر زن در ادامه داستان آفرینش نقل شده در تلمود، همچنان دیده می‌شود؛ دختران به آدمیان نسبت داده می‌شوند، اما پسران به خدا:

و چنین واقع شد که چون آدمیان شروع کردند به زیاد شدن بر روی زمین، دختران برای ایشان متولد گردیدند. پسران خدا، دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند و هرکدام را که خواستند (به همسری) برای خویشان می‌گرفتند. در آن ایام، مردان تنومند در زمین بودند و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان (پیوستند) و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سلف مردان نامور شدند. (کتاب مقدس، ۱۹۷۸، سفر پیدایش، باب ششم، شماره ۵-۱)

حتی در ماجرای گناه نخستین، حوّا عامل گناه دانسته می‌شود؛ شیطان به سراغ او می‌رود و او را وسوسه می‌کند تا از درخت ممنوعه میوه بخورد و به او می‌گوید: «در روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود» (کتاب مقدس، ۱۹۷۸، باب سوم، شماره ۵).

۱. تلمود مجموعه آداب و قواعد آیین یهود و تفسیر آنهاست.





هنگام بازخواست خداوند، آدم مانند شخص پاک و بی‌گناه تقصیر را به گردن حوّا می‌اندازد و بدینسان زن مواخذه می‌شود و رنج بارداری و فرمانبرداری از همسر برای کیفر به زن داده می‌شود: «به زن گفت که الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم. با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد» (کتاب مقدس، ۱۹۷۸، باب سوم، شماره ۱۷).

در داستان آفرینش، خداوند فقط در بینی آدم دمید که پیروان عهدین از آن نتیجه گرفتند که شیطان در آدم راه نمی‌یابد، همچنین چون آدم مولود خداست پس نفسش از شرارت محفوظ است، اما حوّا از این دو موهبت برخوردار نیست، پس عصیان ورزید و در مسیر شر قرار گرفت. به اعتقاد پیروان عهدین، حوّا به‌عنوان نخستین خطاکار مجازات می‌شود که نه تنها خود خطاکار بود که مسبب فریب آدم نیز هست، پس خطایش دو برابر می‌شود. زن به‌عنوان موجودی ضعیف‌النفس معرفی می‌شود که دروازه فساد در عالم، عامل تخریب و براندازنده پاکی و موجب سقوط بشریت است که تمام نسل‌های بعد به خاطر گناه اولیه او فاسد شدند. (رک، مظاهری، ۱۳۹۲)

براساس عهدین، زن راهی برای تسلط شیطان بر آدم شد. چنین دیدگاهی نسبت به زن، آسیبی جدی به جایگاه و شخصیت او وارد می‌کند و آثار مخربی در پی خواهد داشت که نتیجه آن ظلمی است که به زن و در پی آن به خانواده می‌شود تا جایی که به دنبال نادیده‌گیری جایگاه ارزشمند زنان در طول تاریخ، رویکردهای افراطی فمینیستی شکل گرفت که نخست خواستار برابری زنان با مردان و سپس آزادی زنان از نقش مادری شد. (رک، باقری، ۱۳۸۲)

در مقابل این دو دیدگاه، دیدگاه سومی هم وجود دارد که در آن جایگاه زن و مبانی وجودی او متفاوت تبیین می‌شود؛ این دیدگاه متعلق به دین اسلام است. در رابطه با مقایسه دیدگاه اسلام و عهدین، مقالاتی تألیف شده است که از جمله می‌توان پژوهش تاجری نسب و بهادری (۱۳۸۹) را نام برد که در ضمن آوردن آیات نفس‌واحد، به بررسی لغوی دو کلمه زوج و نفس می‌پردازد و سپس روایات اسرائیلی را مورد نقد قرار می‌دهد. علوی نژاد (۱۳۸۰) نیز ضمن بررسی موارد مشترک و افتراقات در متون اسلامی و آیات کتاب عهدین و تلمود چگونگی ورود اسرائیلیات به منابع اسلامی را تحلیل می‌کند. این پژوهشگران علاوه بر آنکه مبحث خلقت را در مورد یک جنس بررسی نموده‌اند، بیشتر در نشان دادن تفاوت دو دیدگاه عهدین و قرآن همت گماشته‌اند تا آنکه در پی دست‌یابی به رمزهای موجود در

روایت قرآن از آفرینش زن و مرد باشند و جایگاه سرشتی زن و مرد را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار نداده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر در پی تبیین روایت اسلام از نحوه آفرینش زن و مرد، اشتراکات و استقلال وجودی زن و مرد از یکدیگر است. در مطالعه حاضر علاوه بر آنکه از نظر روش و جستجوی تفصیلی در آیات آفرینش زن و مرد کار جدیدی انجام شده است، آیات قرآن مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا روشن شود که اسلام چگونه جایگاه سرشتی زن و مرد را در ارتباط با یکدیگر تبیین کرده است. بر این اساس، سؤالاتی همچون قرآن چگونه خلقت زن و مرد را توصیف می‌کند؛ اشتراکات سرشتی زن و مرد در آیات آفرینش کدام است؛ اصالت وجودی زن و مرد در آیات آفرینش چگونه است و چه تفاوتی بین دیدگاه قرآن و دیدگاه تورات و انجیل در چگونگی خلقت زن و مرد وجود دارد؟ مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۳. چگونگی آفرینش زن و مرد در قرآن

در رابطه با خلقت انسان به طور کلی و خلقت زن و مرد به طور خاص، آیات متعددی نازل شده است. چون در پژوهش حاضر خلقت زن و مرد بررسی شده است، فقط آیات مربوط به خلقت زن و مرد تحلیل گردید.

جدول ۱

مضامین و عبارات کلیدی آفرینش زن و مرد با توجه به آیات قرآن

مضمون	عبارات کلیدی	نشانگر (آیه)
آفرینش احسن	همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم	تین: ۴
	کسی که هر چه را آفرید نیکو آفرید	سجده: ۷
	صورت‌های شما را نیکو نمود	غافر: ۶۴
ماده آفرینش	خداوندی که بهترین آفرینندگان است	مؤمنون: ۱۴
	و همانا ما انسان را از گلی خشک از گلی سیاه متغیر و بوگرفته آفریدیم	حجر: ۲۶
	نسل او را از عصاره‌ای از آب پست و بی‌مقدار مقرر فرمود	سجده: ۸
	و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد	سجده: ۷
	همانا من آفریننده بشری از گل هستم	ص: ۷۱
	از نطفه‌ای ناچیز آفریدش	عس: ۱۹
	از آبی جهنده آفریده شده است	طارق: ۷
	انسان را از خون بسته آفرید	علق: ۲
	ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم	انسان: ۲

مضمون	عبارات کلیدی	نشانگر (آیه)
مراحل آفرینش	ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قراردادیم. سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آنگاه لخته خون را پاره‌گوشی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم	مؤمنون: ۱۲-۱۴
	ما شما را از خاک آفریدیم (مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه درآمد) سپس از نطفه، سپس (به صورت) خون بسته شده، سپس (به صورت چیزی مانند) گوشت جویده شده	حج: ۵
	آیا او قطره‌ای از منی نبود که (در رحم) ریخته می‌شد؟ سپس خون بسته‌ای شد	قیامت: ۳۷-۳۸
	او شما را در شکم‌های مادرانتان و در تاریکی‌های سه‌گانه (گوشت و پوست و خون) آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر در مراحل گوناگون) می‌آفریند	زمر: ۶
هدف آفرینش زن و مرد	تا یکدیگر را بشناسید / هدف: شناخت	حجرات: ۱۳
	تا بدان آرام گیرد / هدف: آرامش	اعراف: ۱۸۹ روم: ۲۱
	و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید / هدف: یادآوری	ذاریات: ۴۹
اشتراکات وجودی (ویژگی‌های مشترک)	از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت. بترسید... و درباره ارحام کوتاهی مکنید / هدف: گسترش نسل، تقواللهی، صلح رحم	نساء: ۱
	چگونه به بی‌راهه می‌روید / (امکان عصیان و گمراهی در زن و مرد)	زمر: ۶
	صورت‌های شما را نیکو نمود و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد / (گرایش به امور متعالی و برتر)	غافر: ۶۴
	او را می‌آزماییم / (برخورداری از اراده و اختیار در هر دو جنس)	انسان: ۲
	این است خدایی که پروردگار شماست، حکومت برای اوست، جز او هیچ معبودی نیست، پس چگونه به بی‌راهه می‌روید؟ / (قدرت تعقل و شناخت)	زمر: ۶
	در بهترین قوام و نظام آفریدیم / (گرایش به امور متعالی و برتر)	تین: ۴
	آن دو (زن و شوهر) از خداوند، پروردگارشان، درخواست کرده (و گفتند) که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود / (احساس مسئولیت)	اعراف: ۱۸۹
	و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید / (قدرت تعقل و بازشناسی حق)	ذاریات: ۴۹
	آیا او قطره‌ای از منی نبود که (در رحم) ریخته می‌شد؟ سپس خون بسته‌ای شد و خداوند آن را آفرینش داد و استوار ساخت / (احساس خودبزرگ‌بینی و فراموشکاری)	قیامت: ۳۷-۳۸
	بعضی به پست‌ترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند تا جایی که دانسته‌های خود را از دست دهند / (فراموشی و پیری برای هر دو جنس)	حج: ۵
ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرمی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست / (برتری جویی)	حجرات: ۱۳	
نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد / (انحراف‌پذیری و میل به جاودانگی، تکامل و ترقی)	بقره: ۳۵	
اگر درباره قیامت شک دارید / (با دقت در وجود خود، شک خود را برطرف کنید) ما شما را از خاک آفریدیم / (مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه درآمد) سپس از نطفه... / (قدرت تعقل و فهم استدلال)	حج: ۵	

مضمون	عبارات کلیدی	نشانگر (آیه)
آفرینش دیگر (آفرینش روح)	آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر در مراحل گوناگون) می‌آفریند	زمر: ۶
	سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم	مؤمنون: ۱۴
	و خداوند آن را آفرینش داد و استوار ساخت	قیامت: ۳۹
	از نطفه‌ای ناچیز آفریدش و سامانش بخشید	عبس: ۱۹
	سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید	سجده: ۹
دشمن مشترک	پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد	بقره: ۳۶
	ای آدم! همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست	طه: ۱۱۷

در جدول ۱ مضامین و نکات کلیدی آفرینش زن و مرد در آیات قرآن بیان شده است که عبارتند از:

۳-۱-۲- آفرینش احسن

در چهار آیه از آیات مربوط به آفرینش انسان، به آفرینش احسن اشاره شده است. (رک. مؤمنون: ۲۱-۱۴؛ تین: ۴؛ سجده: ۷؛ غافر: ۶۴) در آیه چهارم سوره تین کلمه احسن به همراه تقویم آمده است؛ یعنی خداوند، بهترین قوام و نظام را به انسان عطا نموده است. قوام به معنای درآوردن چیزی به صورت مناسب و با کیفیت شایسته با بهترین قوام است؛ یعنی خداوند به انسان نه تنها قوام و صورت مناسب بخشید، بلکه بهترین آن را عطا کرد. نکته مهم این است که منظور از کلمه انسان در این آیه جنس انسان است، پس جنس انسان به حسب خلقتش دارای قوام است (رک. طباطبایی، ۱۳۸۵، ۲۰/۵۱۰) و چون قوام همراه با کلمه آفرینش آمده، نشان از آن است که انسان استعداد ذاتی دارد و بر حسب خلقت چنین است که هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی بهترین است.

در آیه ۶۴ سوره غافر کلمه احسن به همراه صور آمده است؛ یعنی عطای بهترین صورت‌ها به انسان. مفاد آیه حاکی از آن است که انسان سرشار از نیاز است؛ نیاز به جایی برای سکونت، سرپناهی برای امنیت، رزق و روزی برای رفع گرسنگی و تشنگی و نیاز به جلوه‌ای احسن که از همه موجودات برتر باشد. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

خدای تعالی صورت انسان را مجهز به جهازی بسیار دقیق کرد که با آن جهاز و وسایل می‌تواند انواع کارهای عجیب را انجام دهد؛ کارهایی که سایر موجودات جاندار از انجام آن عاجز است و نیز از مزایایی از زندگی بهره‌مند است که آن مزایا برای غیر انسان ابداً فراهم نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۷/۵۲۴)





مواهب و نعمت‌هایی که در این آیه ذکر شده است به قشر خاصی از انسان‌ها تعلق نداشته و قرینه خاصی نیز برای آن یافت نمی‌شود تا بر مبنای آن برتری دسته خاصی از انسان‌ها یعنی، مردان یا زنان استخراج شود. تجهیزات و مزایا برای همه است تا با آن به تعالی دست یابند. در آیه یاد شده، مقام احسن چنان بوده است که خداوند به خود بالیده و تبارک‌الله آورده است.

در آیه چهاردهم سوره مؤمنون عبارت «احسن الخالقین» به معنای بهترین آفرینندگان آورده شده است. در آیات ۱۲-۱۴ این سوره از شگفتگی خلقت انسان بحث می‌شود؛ انسان با تمام برتری از خاک و نطفه بی ارزش آفریده شد و همین، نشانی از احسن الخالقین است. وقتی انسان احسن المخلوقین است، ذات مقدس خدا هم احسن الخالقین می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹) و آفرینش او از سایر موجودات که نیازمند ماده‌ای برای آفرینش اند، برتر است. خداوند پس از آفرینش انسان، خود را احسن الخالقین خواند، بر این اساس، هم برای مرد و هم برای زن خلقتی احسن بوده و هست. در آیه هفتم سوره سجده بر همین معنا تأکید می‌شود که خداوند هر چه را که آفرید، نیکو خلق کرد.

بر اساس آیاتی که ذکر شد، احسن بودن چه در مقام فعل خداوند و چه به عنوان صفت آفرینش بر خلقت انسان اشاره دارد و در آیه هفتم سوره سجده به خلقت انسان به صورت جداگانه نیز اشاره کرده است که حاکی از مقام و جایگاه انسان نسبت به سایر مخلوقات است. انسان چه در کسوت مرد ظاهر شود یا در لباس زن، هدف و غایت آفرینش اوست و وصف تبارک‌الله بر او وارد شده است.

۳-۲-۲. ماده آفرینش

در آیات متعدد، ماده‌های مختلفی برای مبدا انسان بیان شده است که عبارتند از: زمین (رک.، نجم: ۲۲؛ نوح: ۱۷)؛ خاک (رک.، حج: ۵؛ روم: ۲۰؛ فاطر: ۱۱)؛ صلیصال (رک.، حجر: ۲۶، ۲۸، ۳۳؛ الرحمن: ۱۴)؛ گل (رک.، انعام: ۲؛ اعراف: ۱۲)؛ آب (رک.، فرقان: ۵۴؛ نور: ۴۵)؛ (رک.، انبیاء: ۳۰؛ مرسلات: ۲۰؛ سجده: ۸؛ طارق: ۵-۶)؛ نطفه (رک.، نحل: ۴؛ یس: ۷۷؛ دهر: ۲) و نطفه و تراب (رک.، فاطر: ۱۱؛ حج: ۵).

با توجه به آیات فوق این سؤال مطرح می‌شود که چرا آفرینش انسان از ماده‌های مختلفی ذکر شده است؟ آیا هر ماده به موضوع خاصی اشاره دارد؟ آیا زن و مرد هر کدام از ماده‌های

مختلفی خلق شده اند؟ برخی از آیات فوق عمومیت ندارد، یعنی در رابطه با آفرینش همه انسان ها نیست. آیاتی که تصریح به نطفه در آفرینش انسان دارد، درباره حضرت عیسی علیه السلام و حضرت آدم علیه السلام صدق نمی کند؛ زیرا ایشان از نطفه خلق نشده اند. بنابراین، این آیات فقط جریان طبیعی خلقت انسان را بیان می کند و افراد استثنایی از سیاق آیات خارج اند.

در آیاتی که خاک و نطفه را باهم ذکر می کنند دو وجه در نظر است: نخست اینکه مراحل آفرینش هر فرد، جداست؛ یعنی خاک به مواد غذایی و مواد غذایی به نطفه تبدیل می شود. پس خاک مبدأ نطفه و نطفه مبدأ انسان است؛ خاک مبدأ دور و نطفه مبدأ نزدیک است. دوم اینکه چون حضرت آدم از خاک است و هر انسانی منتهی به خاک می شود، پس مبدأ آفرینش حضرت آدم علیه السلام، مبدأ آفرینش دیگران نیز خواهد بود. (رک، مصباح یزدی، ۱۳۸۸)

به جز موارد استثنا در آفرینش، قرینه دیگری یافت نمی شود که بر مبنای آن، دسته یا گروهی از انسان ها در ماده خلقت مستثنی شده باشند و گرنه برای تولد هر انسانی چه زن و چه مرد، وجود نطفه یا رحم که با عباراتی مانند «قَرَارِ مَکِین» (مؤمنون: ۱۳) بدان اشاره می شود، نیاز است. در واقع اگر قرآن فقط قرینه قطعیه چگونگی خلقت دانسته شود (صرف نظراز روایات و عبارات بزرگان)، مدعیان تفاوت آفرینش دو جنس بایستی بر دعوی خود دلیل اقامه کنند و گرنه متن صریح آیات قرآن نشان دهنده اشتراک قطعی است.

از بررسی مجموع آیاتی که در این مورد نازل شده است، دریافت می شود که هدف اکثر این آیات یادآوری به انسانی است که فقط خود را می بیند و غرق در توانایی ها و قدرت خود شده و فراموش کرده است از چه چیزی خلق شده است (رک، قیامت: ۳۷؛ علق: ۲) و غافل از خالق خود، می انگارد که همیشه بوده و خواهد بود (رک، حج: ۵). از این رو، براساس این آیات، ماده خلقت زن و مرد یکسان است. آیاتی را که درباره ماده آفرینش بحث می کنند به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد؛ آیات مربوط به ماده آفرینش (آیاتی که در آن فقط یک ماده آمده) و آیات در مورد سیر آفرینش (که چند ماده پشت سرهم در آنها آورده شده که به مراحل و سیر خلقت اشاره دارد).

۳-۲-۳. مراحل آفرینش

آیاتی که به مراحل آفرینش اشاره دارد عبارتند از: سوره مؤمنون آیات ۱۲ تا ۱۴، سوره حج

آیه ۵، سوره قیامت، آیات ۳۷ تا ۴۰ و سوره زمر آیه ۶. وجود مواد مختلف در آیات متعدد و نیز ماده های مختلف که پشت هم در یک آیه آورده شده اند، نشانی از مراحل و سیر آفرینش است. آیت الله جوادی آملی در این مورد بیان می کند:

تعبیرات متفاوت در این خلقت، نشان دهنده مراحل مختلف آفرینش انسان است. ریشه نخست جسم انسان همان خاک و تراب است و وقتی بدن آب افزوده شود به صورت طین یعنی، گل در می آید. گذشت زمان این گل را به صورت لجن، بدبو و متعفن می کند که حماء مسنون نامیده می شود. زمانی که چون خشت خام، پخته شود از آن به صلصال یاد می شود. به هر روی در این مرحله، خدا با تعبیر من طین، بدن انسان را به خاک و گل نسبت داده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹)

همچنین دو ماده مختلف نطفه و خاک ماده اولیه خلقت است که در تفاوت خلقت نوع انسان و حضرت آدم بیان شده است؛ به ویژه براساس آیات هفتم و هشتم سوره سجده که به خلقت آدم و نسل او اشاره کرده است. آیت الله مکارم شیرازی در این باره می گوید:

از مجموع آیات چنین استفاده می شود که آفرینش آدم به صورت یک خلقت مستقل از خاک و گل به وجود آمده است... آیه بعد به آفرینش نسل انسان و چگونگی تولد فرزندان آدم در مراحل بعد اشاره کرده است و می گوید: «سپس خداوند نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی مقدار قرار داد». جعل در اینجا به معنی آفرینش و نسل به معنی فرزندان و نوه ها در تمام مراحل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷/۱۲۶)

از آیات ذکر شده برمی آید که قرآن کریم مبدأ آفرینش انسان را گاه به صورت آفرینش هر فرد بیان می کند مبنی بر اینکه از نطفه است و مراحلی دارد تا به جنین کامل می رسد و گاه توجه به خلقت نخستین انسان دارد و گاهی نیز به هر دو اشاره می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸) در هر صورت، چه برخی آیات در اشاره به حضرت آدم تفسیر شود و یا نوع آدمی، نمی توان ماده آفرینش را به جنس خاصی محدود کرد. حتی اگر در برخی موارد به شخص خاصی محدود باشد، نمی توان از گزاره شخصیه به گزاره کلیه رسید. در گذر از هفت مرحله (تراب، نطفه، علقه، مضغه، طفولیت، بلوغ، پیری)، صعود از خاک تا رسیدن به مرحله «اشدکم» و حتی در نزول تا رسیدن به مرحله «ارذل العمر»، مرد و زن را تفاوتی نیست. در علم و آگاهی و عقل نیز که از ارزش های زندگی انسانی اند، زن و مرد مشترکند و علاوه بر مبدأ آفرینش در بازگشت هم مشترکند.

بر اساس آیاتی از قرآن، انسان در مرحله‌ای از آفرینش چیزی نبود (ر.ک.، مریم: ۶۷) و در مرحله‌ای دیگر نیز چیز قابل ذکر نبود (ر.ک.، انسان: ۱). آیاتی دیگر، از وجود در علم خدا (وجود علمی) صحبت کرده است که با فرمان الهی از علم به عین درآمد (ر.ک.، یس: ۸۲). در همه این مراحل و نیز در جایی که قرآن تذکره نامیده می‌شود (ر.ک.، مزمل: ۱۹)، انسان مورد خطاب است و از فراموشی انسان خبر داده شده و جنس خاصی به تذکر و یادآوری فراخوانده نشده است.

۳-۳. هدف آفرینش زن و مرد در قرآن

در رابطه با هدف آفرینش زن و مرد دو حالت متصور است؛ هدف از خلقت نوع انسان و هدف از خلقت زن و مرد. آیاتی که هدف خلقت زن و مرد در آن بیان شده است، آیت و نشانه‌ایی است بر اینکه وجود تفاوت‌ها در زن و مرد و آفرینش انسان از دو جنس (زن و مرد)، حکیمانه است. در آیه ۴۹ سوره ذاریات نه تنها به زوج انسانی زن و مرد بلکه به تمام پدیده‌های طبیعی اشاره دارد که آفرینش آنها راهنما و آیه‌ای برای یادآوری است. (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۸، ۵۷۳) در آیه سیزدهم سوره حجرات هدف از آفرینش زن و مرد و قرار گرفتن در تیره‌ها و قبایل مختلف، شناسایی و تقوا بیان شده است. وجود تفاوت‌ها برای شناسایی است و نه تفاخر. این آیه بیان می‌داد که برتری به تقواست نه به زن یا مرد بودن (یعنی نوع جنسیت):

پس هر یک از شما انسانی هستید متولد از دو انسان و از این جهت هیچ فرقی با دیگری ندارید و اختلافی هم که در بین شما هست و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله کرده، اختلافی است مربوط به جعل الهی نه به خاطر کرامت و فضیلت بعضی از شما بر بعضی دیگر، بلکه برای این است که یکدیگر را بشناسید و نظام اجتماعتان کامل شود. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۸، ۴۸۸)

سوره نساء با دعوت به تقوی آغاز می‌شود؛ رعایت حقوق افراد و ایتمام از مفاد سوره نساء است و تقوی، لازمه رعایت این حقوق است. بعد از بیان تقوا، مفهوم نفس واحده و گسترش نسل از این نفس، بیان شده است که منظور از آن همان تکثیر نسل فرزندان آدم از طریق آدم و حواست. بر این اساس، می‌توان گفت که یکی از اهداف آفرینش زن و مرد، تولید نسل و ازدیاد جمعیت است. صله رحم از دیگر مفاهیم بنیادی مطرح شده در این آیات است. پس



از آنکه هم‌ریشگی همه انسان‌ها بیان شد از صله بین ارحام سخن به میان می‌آید. برادری و یآوری در حق خویشان و دیگرانسان‌ها و دوستی و نوع دوستی در جوامع بشری فراهم نمی‌شود مگر با تقوای الهی.

آرامش، هدف مهم دیگری است که در آیه ۱۸۹ سوره اعراف و آیه ۲۱ سوره روم درباره آن بحث شده است. در هر دو آیه بعد از «لیسکن و لتسکنوا» کلمه «الیها» قرار دارد، یعنی به آرامش مرد در پرتو وجود زن اشاره دارند. براساس این آیات، یکی از اهداف خلقت زن، آرامش مرد است. آرام بخشی را می‌توان وظیفه زن در نظر گرفت نه به معنای خلق شدن زن برای مرد. در صورتی که فرض شود هر یک از زن و مرد وظایف مشخصی بر عهده دارند که بر عهده جنس مخالف نیست، این اختلاف به معنای اختلاف مسیر هر یک از دو جنس در رسیدن به هدف مشترک است (زیبایی نژاد، ۱۳۸۳). در آیه ۲۱ سوره روم بعد از آرام بخشی زنان، عبارت «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» آمده است. براساس این قرینه می‌توان گفت که زن و مرد هر دو مایه آرامش یکدیگرند، اما با توجه به آیه ۱۸۹ سوره اعراف که فقط زن را مایه آرامش مرد می‌دانست و گویا مرد قبل از آن در ناآرامی و تشویش به سر می‌برده، می‌توان چنین استنباط کرد که آرامش بخشی زن به مرد بیش از آرامش بخشی مرد به زن است و این یکی از مواهب الهی است که زنان و مردان مایه آرامش یکدیگرند. آیت الله مکارم در این مورد می‌گوید:

این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس، مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر باشند، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶/۳۹۱)

نقش همسر، برقراری آرامش برای طرف مقابل خود است که از ابزارهای ایفای این نقش، مودت و رحمت است. بنابراین، اگرچه زن و مرد با هدفی یکسان خلق شده‌اند و از راه‌های گوناگونی می‌توانند در رسیدن به هدف مشترک تعالی و عبودیت، مسیر را طی کنند، تفاوت در نوع راه چیزی از ارزش آنان نمی‌کاهد.

۳-۴. اشتراکات وجودی زن و مرد در قرآن

در آیات مربوط به خلقت زن و مرد، ویژگی‌هایی دیده می‌شود که زن و مرد در آنها مشترکند.

برخی از ویژگی‌ها به طور صریح و واضح از آیات استخراج می‌شوند، اما برخی دیگر با تأمل و تحلیل و حتی رجوع به تفاسیر برداشت شده‌اند. در آیه ششم سوره زمر، خدای سبحان آفرینش انسان و شگفتی‌های آفرینش را یادآوری می‌کند. همچنین قدرت خداوند و یگانه معبود بودن او ذکر می‌شود. تنها انسانی که از قدرت تعقل و شناخت برخوردار باشد چنین عظمتی را می‌فهمد. یادآوری زمانی معنادار است که انسان دارای عقل باشد و بتواند از نشانه‌ها به مدلول برسد و پی به وجود معبود بی‌همتا ببرد. در آیه ۱۸۹ سوره اعراف، زن و شوهر از خداوند درخواست فرزند شایسته می‌کنند. درخواست کردن فرزند شایسته نشان از آن است که آن دو احساس مسئولیت می‌کردند. در آیاتی که از آفرینش احسن سخن به میان آمده است، احسن بودن دال بر آن است که انسان به امور برتر و متعالی گرایش دارد که خداوند به آن مباهات می‌ورزد.

در آیه سیزدهم سوره حجرات، هدف از وجود نژادها و اقوام مختلف، شناسایی آنها معرفی شده است و به دنبال آن تقوا را ملاک برتری بیان کرده است. گویی خداوند با آگاهی از ویژگی برتری طلبی انسان‌ها این معیار برتری را معرفی کرده است تا انسان به خطا نرود. در چند آیه از فریب و وسوسه شیطان بحث شده است؛ هشدار نسبت به فریب می‌تواند نشانه‌ای از انحراف‌پذیری انسان باشد. اینکه شیطان به آدم گفت که ثمره خوردن میوه ممنوعه، جاودانگی است حاکی از میل انسان به زندگی جاویدان و رسیدن به قدرت بی‌زوال است. شیطان به خوبی از این میل و ویژگی انسان آگاه بود و بدین وسیله هردو را فریب داد. در تمام این ویژگی‌ها زن و مرد مشترکند و این ویژگی‌ها به طور فطری و سرشتی در زنان و مردان وجود دارد.

۳-۴-۱. دشمن مشترک

در آیاتی از قرآن کریم به صراحت از وجود شیطان با عنوان دشمن مشترک زن و مرد یاد شده است و (رک.، بقره: ۳۶) به هر دوی آنها نسبت به دشمنی شیطان هشدار داده شده است. (رک.، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۱۸/۱۳) آیت الله جوادی آملی مفرد آمدن ضمیر در آیه ۱۱۷ سوره طه را چنین تفسیر می‌کند: «نماینده یک نفر است، یعنی خدای سبحان آدم را به نمایندگی از انسان‌ها مخاطب قرار می‌دهد و دشمنی شیاطین با جان آدمی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹). پس شیطان دشمن آشکار

همه انسان هاست: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف: ۵).

دشمنی شیطان با آدم، حوا و فرزندان ایشان بود و هشدار الهی نسبت به دشمنی ابلیس، به همه بود: «يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس: ۶۰). آیت الله جوادی آملی در این مورد می‌گوید: «در قرآن کریم و در جریان حضرت آدم، امر به هبوط، گاهی تشبیه آمده است (اهبطا) و زمانی جمع (اهبطوا). این مطلب نیز نشان می‌دهد که محور خلافت، انسانیت است و عداوت شیطان نیز با انسانیت انسان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹). قرآن هیچ‌گاه زن را محور اشتباه اولیه معرفی نکرده، هرچند که او را بی‌تقصیر ندانسته است، اما در کتاب مقدس، اولین زن عامل گناه و تمام مفسد را ناشی از وجود او می‌داند؛ زیرا او باعث خروج آدم از بهشت شد و از آن پس تخریب قداست بشر آغاز شد.

۳-۴-۲. آفرینش دیگر

در دسته‌ای از آیات، بعد از توصیف مراحل خلقت انسان از آفرینشی مجدد صحبت شده است. در عباراتی مثل «وَوَفَّخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹)؛ «أَنْشَأْتَهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴) و «خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ» (زمر: ۶) از نوعی آفرینش متفاوت با خلقت اولیه از خون و استخوان بحث می‌شود که فقط در رابطه با انسان، چنین عبارتی استفاده شده است.

نفخه روح شامل انسان نوعی است؛ در آیات هفتم تا نهم سوره سجده آمده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ». ضمیر سَوَّاهُ به نوع انسان اشاره دارد نه به نخستین انسان که مصداق «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ» است؛ زیرا با سیاق آیه مناسب‌تر است. در آیه «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» صحبت درباره نسل آدم است و نسل آدم، هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود. در عبارت «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» ابتدا خلقت انسان نخستین را بیان کرده است و سپس خلقت نسل انسان را که از «ماء مهین» است و سپس حکم کلی را که شامل انسان نخستین و نسل اوست، بیان می‌کند و می‌فرماید: «سَوَّاهُ»، یعنی «و انسان را موزون و به‌هنجار کرد، خواه انسان نخستین را و خواه نسل او را». همچنانکه در آیه ۱۲ سوره مؤمنون می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» که به آفرینش انسان به‌طور کلی اشاره می‌کند. در ادامه آیه آمده است: «ثُمَّ أَنْشَأْتَهُ خَلْقًا آخَرَ»، پس مرد و زن در برخوردارگی از این نشئه الهی یکسان هستند.

اصل انسان به روح اوست و فرع او که همواره پیرو آن اصل است، بدن اوست. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۷۷/۱۴) بدن ابزاری است برای تکامل؛ صف های نکوهیده انسان که در قرآن آمده است به طبیعت انسان اشاره دارد. بخش اصیل انسان یعنی روح او، ویژگی هایی دارد که اساس آنها کرامت است و با همین بخش اصیل است که انسان می تواند به حیات طیبه و رستگاری برسد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)؛ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱). در این دو آیه تصریح شده است که هم زنان و هم مردان توانایی رسیدن به حیات طیبه و برخورداری از پاداش الهی را دارند که چون این توانایی مربوط به امری فراتر از طبیعت یعنی، روح است پس زن و مرد هر دو از آفرینشی فراسوی طبیعت بهره مندند. براساس جدول ۱ زن و مرد در مضامین مطرح شده مشترکند، بنابراین از خلقتی یکسان برخوردارند.

۳-۴-۳. نفس واحده

عبارت «نفس واحده» در این آیه ۹۸ سوره انعام، آیه ۶ سوره زمر، آیه ۱۸۹ سوره اعراف و آیه یکم سوره نساء آمده است.

جدول ۲

مضامین و نکات کلیدی با توجه به آیات نفس واحده

مضمون اصلی	مضمون فرعی	عبارات کلیدی	نشانهگر (آیه)
نفس واحده	واحد شخصی	آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید	نساء: ۱۰
		او شما را از یک نفس آفرید	زمر: ۶
	واحد نوعی	او خدایی است که شما را از یک نفس (جان) آفرید	اعراف: ۱۸۹

مراد از نفس واحده چیست؟ آیا واحد شخصی منظور بوده یا واحد نوعی؟ با توجه به پاسخ های این سوالات دو دیدگاه در این مورد مطرح است که عبارتند از:

اول، واحد شخصی

منظور از نفس واحده در آیات سوره زمر و نساء براساس شواهد و قراین این آیه ها، حضرت

آدم ابوالبشر است. علامه طباطبایی در این رابطه می‌فرماید:

و از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از نفس واحده، آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و مراد از زوج‌ها حواست که پدر و مادر نسل انسان است که ما نیز از آن نسل هستیم. به طوری که از ظاهر قرآن کریم برمی‌آید همه افراد نوع انسان به این دو تن منتهی می‌شوند چنان که از آیه زیر همین معنا برمی‌آید: «خلقکم من نفس واحده، ثم جعل منها زوجها». (طباطبایی، ۲۱۴/۴، ۱۳۸۵)

و در تفسیر نمونه آمده است:

آفرینش همه انسان‌ها از نفس واحد، اشاره به مسئله آفرینش آدم، جد نخستین ماست که این همه افراد بشر با تنوع خلقت و خلق و خوی متفاوت و استعدادها و ذوق‌های مختلف، همه به یک ریشه باز می‌گردد که آن آدم است. (مکارم شیرازی، ۳۸۰/۱۹، ۱۳۷۴)

اگر منظور از نفس واحده در آیه یکم سوره نساء نوع انسان باشد، معنای آیه چنین می‌شود که هر یک از شما از یک پدر و مادر آفریده شده‌اید که هم مضمون با آیه سیزدهم سوره حجرات است؛ در صورتی که این دو آیه، دو مقصود متفاوت را بیان می‌کند و عبارت «بث منها رجالا کثیراً» در ادامه آیه با واحد شخصی سازگارتر است و بیان می‌دارد که همسر آدم از نوع خود آدم بود و انسانی بود مثل خود او و این همه افراد بی‌شمار از انسان که در سطح کره زمین منتشر شده‌اند، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه هم منشأ گرفته‌اند. (ر.ک.، طباطبایی، ۲۱۵/۴، ۱۳۸۵)

پس نخستین زن که همسر نخستین مرد است از همان ذات و گوهری خلق شده که مرد از آن آفریده شده است.

دوم) واحد نوعی

در آیه ۱۸۹ سوره اعراف مراد از نفس واحده، واحد نوعی است. در این آیه، سخن از نوع انسان است نه فرد و شخص معینی (مثل آدم ابوالبشر). با توجه به کلمه «صالحاً» در این آیه که درخواست زن و مرد برای اعطای فرزند صالح بود، باید ایشان قبلاً در جامعه‌ای زیسته باشند و فرزند صالح و ناصالح را دیده باشند و از پیامدهای آن آگاه باشند که چنین درخواستی از خداوند کنند. همچنین ضمائر جمعی که در آخر آیه دوم و آیات بعد وجود دارد، نشان می‌دهد که منظور از ضمیر تثنیه اشاره به دو گروه (نوع انسان) بوده است نه دو

شخص. (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۵۲/۷، ۱۳۷۴) پس بر مبنای نفس واحده، همه انسان‌ها چه زن و چه مرد از یک گوهر و ذات خلق شده‌اند و مبدأ قابل‌آفرینش همه افراد، یک چیز است.

این آیات از وحدت نوعی زن و مرد خبر می‌دهند که هر دو از یک گونه‌اند و نوعی واحد به شمار می‌آیند؛ اگرچه در آیات مورد بحث مراد از نفس واحده می‌تواند حضرت آدم باشد، نسل همه انسان‌ها به حضرت آدم علیه السلام می‌رسد. خداوند جامعه انسانی را از یک اصل و حقیقت آفرید. آفرینش حضرت آدم از یک حقیقت خاص است و همسر او نیز از همان حقیقت خاص آفریده شده است: «و جعل منها زوجها»، پس حقیقت زن و مرد یک چیز است (ر.ک.، جوادی آملی، ۴۸۶/۳۱، ۱۳۹۲) و اطلاق حضرت آدم علیه السلام به نفس واحده بدین معنی است که اولین کسی که از این حقیقت خلق شد، حضرت آدم بود. نفس، حقیقتی است که حضرت آدم خود نیز جزئی از این حقیقت است؛ عبارت «یا ایها الناس» در سوره ناس نشان‌دهنده خطاب عام است و اشاره دارد به اینکه اصل تساوی برای همه است، حضرت آدم هم جزئی از ناس بود و حکم آیه یعنی، تقوا پیشه کردن بر او هم جاری بود. قرینه «واحده» هم که در کنار «نفس» آمده به این دلیل است که تصور نشود «من نفس» جنس سافل یا متوسط است که تحت آن، انواع یا اجناسی باشد و هر کسی از نوع خاص آفریده شده باشد تا تمایز ماهوی شکل بگیرد. پس انسان‌ها از حقیقت واحد خلق شده‌اند و تعدد و تمایز ماهوی میانشان نیست (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۰۵/۱۷، ۱۳۹۲).

نتیجه آنکه منظور از نفس واحده در آیات ۱۸۹ سوره اعراف، آیه ۶ سوره زمر و آیه یکم سوره نساء، حقیقت انسان است و اولین کسی که از این حقیقت ظهور کرد، حضرت آدم علیه السلام بود که این دو مغایرتی باهم ندارند و هر دو به این امر منتج می‌شوند که زن و مرد هر دو در انسانیت شریک و برخوردار از نفس ناطقه‌اند و از وحدت نوعی برخوردارند. بنابراین، در عبارات «خلق منها زوجها» که همسر از شما آفریده شد، ضمیر «ها» به حقیقت انسانیت اشاره دارد نه آنکه از گوشه بدن یا یک استخوان دنده چپ و... آفریده شده باشد. نظر علامه طباطبایی نیز همین است و زن و مرد را از یک گونه می‌داند که نوعی واحد به شمار می‌آیند. ملاصدرا نیز معتقد است که نفوس انسانی در ابتدای حدویشان صورت نوعی واحدی دارند که همان انسانیت است. سپس با خروج از قوه به فعل، انواع مختلفی می‌یابند و مانند

ملائک، شیاطین، بهائم و درندگان می شوند. پس نفس حادث است و پس از بدن اختلافات جنسی، نوعی و شخصی پیدا می کند. (مصباح یزدی و فیاضی، ۱۳۹۱)

جدول ۳

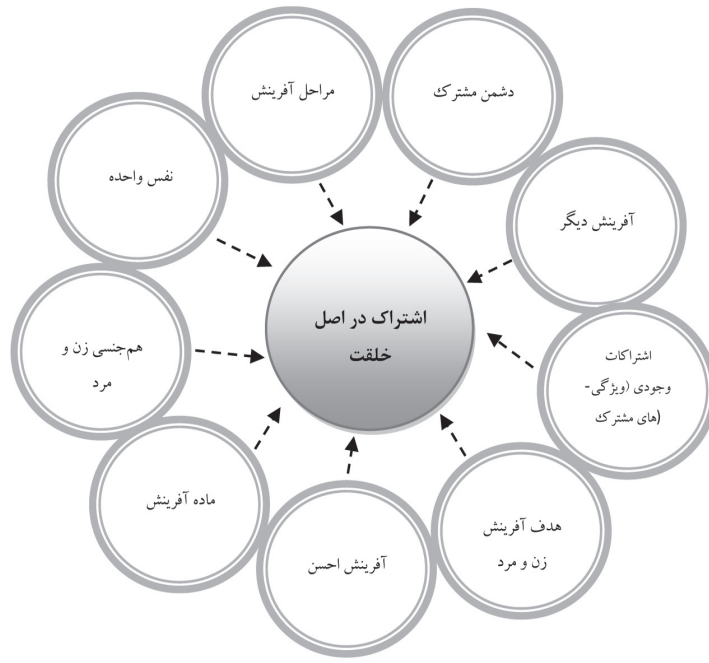
مضامین و نکات کلیدی با توجه به آیات **مَنْ أَنْفَسِكُمْ**

مضمون	عبارات کلیدی	نشانهگر (آیه)
هم جنسی زن و مرد	و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد.	نحل: ۷۲
	برای شما از خودتان همسرانی قرار داد.	شوری: ۱۱
	از نشانه های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید.	روم: ۲۱

دسته دیگر از آیات مرتبط به خلقت زن و مرد نیز همین نکته آیات نفس واحده یعنی آفرینش همسر از جنس خود را افاده می کنند. در بحث هدف آفرینش گفته شد که یکی از اهداف آفرینش همسر، آرامش بخشی اوست. بر اساس «الجنس الی جنسه یمیل» (رسعی، ۱۴۲۹/۱، ۳۵۴) این آرامش فقط در جایی است که تجانس بین دو موجود وجود داشته باشد. پس زن و مرد هم جنس هستند نه آنکه زن از یک عضو مرد خلق شده باشد. هم جنسی زن و مرد با هم نوعی ایشان تداخل ندارد بلکه زن و مرد از گوهری یکسان خلق شده اند و اولین زن با اولین مرد در ذات مشترکند. همسر آدم و به تبع آن، زنان با همسرشان در جنس و نوع همانندند.

باتوجه به مضامین استخراج شده از آیات مربوط به خلقت زن و مرد، ایشان در اصل خلقت اشتراک دارند و از نفسی واحد آفریده شده اند. براین اساس، همه انسان ها در محوری واحد یعنی، در منشا و سرچشمه اولیه اشتراک دارند. برخلاف دیدگاه عهدین که مرد با لصاله از گوهری خاص آفریده شده است و زن از زواید مرد و متفرع بر آن خلق شده است، بر اساس شواهد قرآنی، زن و مرد هر دو از یک گوهرند و از لحاظ گوهر وجودی هیچ امتیازی بر هم ندارند. بنابراین، قرآن بر همه نظریه هایی که زن را موجودی طفیلی و وابسته به مرد می داند، خط بطلان می کشد. هم جنسی و هم نوعی در آفرینش زن و مرد که در دیدگاه اسلام ثابت شد، دلیلی بر لطف الهی نسبت به هر دو جنس زن و مرد است.





شکل ۱. چگونگی آفرینش زن و مرد در قالب شبکه مضمون

شکل ۱ نتایج تحلیل مضمون در رابطه با چگونگی آفرینش زن و مرد را نشان می دهد. پس بر اساس آیات قرآن، هم گوهری زن و مرد اثبات می شود. زن و مرد با گوهری یکسان در دو جنس مختلف آفریده شده اند تا در دو نقش مختلف به وظایف خود عمل نمایند. هرچند بهره هر کدام از این گوهر متفاوت است، در نفس ایشان تمایزی نیست؛ زیرا نفس، اصل برتری است که منزه از ذکورت و میرا از انوخت است. نفس حادث است و پس از بدن اختلافات جنسی، نوعی و شخصی پیدا می کند. (مصباح یزدی و فیاضی، ۱۳۹۱) بنابراین، شکل گیری جنسیت پس از آفرینش بدن بوده و موجب شده است زن و مرد در دو جایگاه متفاوت در نظام خانواده قرار گیرند؛ جایگاهی منحصر به فرد که قابل جایگزینی نیست. تفاوت در جایگاه به معنای برتری یا فروتری نیست؛ وجود تفاوت از مسلمات و انکارناپذیر است که جهت دهی آن به جایگاه ارزشی و انسانی نادرست است. تفاوت در وظایف و نقش ها به دلیل تفاوت در ویژگی های تکوینی و لزوم هماهنگی در امور اجتماعی است و این اختلاف ها را نباید ملاک

ارزش‌گذاری در شخصیت زن و مرد پنداشت (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۳)؛ چرا که ارزش‌های واقعی، ارزش‌های اخلاقی هستند که موجب سعادت و شقاوت انسان می‌شوند. بنا بر اندیشه اسلامی، این ارزش‌ها بالاتراز عوامل مادی و اجتماعی‌اند و سبب تقرب به خدا می‌شوند. بنابراین، تفاوت‌هایی که در احکام و وظایف دیده می‌شود مربوط به مسائل ظاهری و اجتماعی است و بر مبنای آنها نمی‌توان گفت که تقرب زن یا مرد بیشتر است.

زن و مرد با آنکه از نفس واحد آفریده شده‌اند، هر کدام ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فردی دارند که موجب تفاوت آنها از دیگری شده است، گویی بهره‌ای متفاوت از این وحدانیت داشته‌اند. وجود توانایی‌هایی که متفاوت است و سبب ایجاد تفاوت و نقص در هر یک از آنها بدون دیگری می‌شود و در نهایت، موجب می‌شود که باهم آرامش یابند. گرایش فطری زن و مرد به یکدیگر ناشی از واحد بودن و کامل بودن نفس واحد و نقصی است که مرد و زن نسبت به یکدیگر دارند. (رستمی نسب، ۱۳۸۸) بر این اساس، فرایند تکامل و تعالی فردی با حضور در خانواده و قرار گرفتن در نقش‌های آن صورت می‌پذیرد. وجود ویژگی‌های خاص جنسیتی، تفاوت در نقش‌های خانوادگی را به دنبال دارد. برای آنکه امر پرورش و رشد به خوبی انجام شود، ارتباط، هماهنگی و اشتراک بین زن و مرد لازم است تا با پشتوانه آنها تعاملی نیکو شکل‌گیرد و زمینه رشد زن و مرد و فرزندان ایشان فراهم آید. وحدت، پشتوانه‌ای است برای هم‌زیستی و هم‌رشدی زن و مرد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار آیات قرآن کریم و روایات در مورد آفرینش زن و مرد بررسی شد و در مقایسه‌ای اجمالی با نوع روایت آفرینش زن و مرد در کتاب عهدین، مشخص شد که در دیدگاه اسلام برخلاف عهدین، زن و مرد در اصل خلقت و برخی ویژگی‌ها مانند یکدیگرند. در آفرینش، لطف خداوند شامل حال آدم و حوا شده است و این لطف به ابنای بشری نیز تسری داشته است. حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام با دمیده شدن نفخ الهی حیات یافت: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) و این نفخه رحمانی در فرزندان و نسل او نیز جاری شد: «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۸-۹)؛ «وَلَقَدْ

كُرْمَنَا بِنِيْءِ اٰدَمَ» (اسرا: ۷۰) که شامل عموم انسان ها اعم از زن و مرد می شود. خلیفه الهی شدن متضمن صفاتی است که زن و مرد، هرکدام می توانند بدان دست یابند و وصفی است مشترک میان زن و مرد؛ چراکه جان مایه آن روح آدمی است که مبرا از تذکیر و تأنیث است.

براساس تحلیل مضمون آیات متعددی که درباره خلقت زن و مرد وجود دارد، ملاحظه شد که زن و مرد در مضامینی مثل آفرینش احسن، هدف آفرینش، صفات وجودی و دشمنی مشترک، ماده آفرینش و... اشتراک دارند و این اشتراک در نفس واحده به اوج خود می رسد که زن و مرد از یک نوع و یک جنس خلق شده اند و در کنار این اشتراکات، تفاوت هایی نیز دارند. وجود تفاوت، دلیل بر برتری یا فروتری نیست بلکه این تفاوت ها لازمه نقش ها و وظایف متفاوت است. شکل گیری جنس زن و مرد پس از صورت انسانیت است. براین اساس، انسانیت مفهومی خارج از مذکر و مؤنث بودن است؛ چراکه آنچه جان پذیرای آن است (همچون بندگی خدا) برای همگان میسر است. رسیدن به کمالات انسانی از راه های گوناگون ممکن است و تفاوت ها می تواند راه و اهداف واسطی را متفاوت کند، اما هدف غایی یکی است. بنابراین، توان دستیابی به سعادت و قرب به حضرت حق در زن و مرد یکی است. وجود تفاوت های جنسیتی دلیلی بر مادون بودن یک جنس از جنس دیگر از لحاظ جایگاه ارزشی نیست.

بسترهایی در وجود پدر، مادر و فرزند قرار داده شده است که در تربیت هر کدام و پیمودن سیر تکامل مؤثر است. پدر، مادر و فرزند تأثیرات متقابلی بر هم دارند؛ با قرار گرفتن در فضای تربیتی مناسب مثل خانواده مبتنی بر مودت و رحمت، هم شاکله شخصیتی فرزند به خوبی شکل می گیرد و هم موجب تکامل والدین می شود. پیامد دیدگاه هم گوهری زن و مرد در کنار پذیرش تمایزات، قبول مسئولیت و کارکردهای متمایز با توانمندی های ویژه ای است که علاوه بر ایجاد عزت نفس در شخص و پذیرش هویت جنسی خود، در نگرش و توقع و انتظارات دیگران هم تأثیرگذار است. از این رو، پیشنهاد می شود در کنار آموزش و تربیت مبتنی بر ارزش یکسان زن و مرد، در تربیت متمایز دو جنس کوشش شود. ویژگی ها و بسترهای خاص هر جنس که در آیات آفرینش اشاره شد، در دیگر آیات قرآن کریم به طور گسترده تر بحث شده اند

که نیازمند بررسی بیشتر و پژوهش های دقیق تر دیگری است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
۱. اعرابی، حسین (۱۳۸۷). نگاهی نوبه روایات آفرینش زن از دنده چپ مرد. *یژوهش نامه قرآن و حدیث*، ۵، ۴۸-۵۷.
 ۲. باقری، خسرو (۱۳۸۲). *مبانی فلسفی فمینیسم*. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
 ۳. تاجری نسب، غلام حسین، و بهادری، اعظم (۱۳۸۹). بررسی آفرینش زن در قرآن احادیث و تورات. *یژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، ۱(۶)، ۹-۲۳.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *انسان از آغاز تا انجام*. قم: مرکز نشر اسرا.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *صورت و سیرت انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)*. قم: مرکز نشر اسرا.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسرا.
 ۷. رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۸). *فلسفه تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
 ۸. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹). *رموز الکنوز فی تفسیر الکتب العزیز*. مکه مکرمه: مکتبه الاسدی.
 ۹. زیبایی نژاد، محمدرضا، و سبحانی محمدتقی (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 ۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵). *تفسیر المیزان*. مترجم: همدانی، سیدمحمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۱. علوی نژاد، سیدحیدر (۱۳۸۰). *آفرینش زن در قرآن*، کتاب مقدس و اسرائیلیات. *یژوهش های قرآنی*، ۲۷(۷)، ۱۷۶-۱۹۳.
 ۱۲. *کتاب مقدس* (۱۹۷۸). تهران: انجمن کتاب مقدس.
 ۱۳. کهن، راب (۱۳۵۰). *گنجینه ای از تلمود*. مترجم: گرگانی، امیرفریدون. بی جا: چاپخانه زیبا.
 ۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *مشکات*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، و فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۱). *جنسیت و نفس*. قم: مرکز نشر هاجر.
 ۱۶. مظاہری، حبیب (۱۳۹۲). *شخصیت زن در قرآن و عهدین*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.